

زمان مفی

انرژی تاریک

ماده تاریک

ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی

تو مو می بینی و من پیچش مو تو ابرو من اشارت های ابرو

تو قدمی بینی و من جلوه های ناز تو چشم می بینی و من نگاه ناوک انداز

# ام‌پی‌تی فواد



تاسیس ۱۳۹۴

## صلوات آباد

سنندج مرکز کردستان ایران

زمان مفی

انرژمی تاریک

ماده تاریک

سید محمد فواد ابراهیم

مدرس بازنشسته ریاضیات و کامپیوتر

دانشگاه فرهنگیان سندج



انتشارات علمی کالج  
College Scientific Publication

سرشناسه	: ابراهیمی، سیدمحمدفواد، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: زمان منفی انرژی تاریک / ماده تاریک / سیدمحمدفواد ابراهیمی.
مشخصات نشر	: سنندج: انتشارات علمی کالج، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۸ ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۰۱۱۲-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: فضا و زمان
موضوع	: Space and time
موضوع	: ابرفضا
موضوع	: Hyperspace
رده بندی کنگره	: ۵۹/۱۷۳QC
رده بندی دیویی	: ۱۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۵۷۹۷۴



کتاب: زمان منفی، انرژی تاریک، ماده تاریک

نویسنده: سید محمد فواد ابراهیمی

ناشر: انتشارات علمی کالج

مدیر مسئول: کیومرث کرباسی

صفحه آرای و جلد: شاهو احمدیان

سال چاپ: اول - ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

سنندج، مجتمع تجاری کردستان، واحد ۲۲۰

تلفن: ۰۹۱۸۸۷۱۰۷۲۱

تقدیم بہ روان تہانک نانہ می قرون و اعصار آلبرت ایشٹین

وہدی دانشندان روی کرہ می زمین کہ بانفخار بلند خود جامعہ می بشری را آگاہ می نمایند.

سایت شخصی فواد <http://www.foadroyal.com>

کانال تلگرام فواد <https://telegram.me/foadroyal>

ایمیل فواد [foad.ebrahimi@gmail.com](mailto:foad.ebrahimi@gmail.com)

موبایل فواد ( +۹۸۹۱۸۳۷۱۸۳۹۹ ) ۰۹۱۸۳۷۱۸۳۹۹

آدرس: ایران - کردستان - سنندج - خیابان اکباتان - کوچه ایلام یک - پلاک بہنت - کدپستی ۶۶۱۵۶۵۹۵۱۳ - میدان فواد ابراہیمی

Address:

Sayyed mohammad foad Ebrahimi

Postal code ۶۶۱۵۶۵۹۵۱۳

No ۷

Alley ۱

Ekbatan Street

Sanandaj Kurdistan

Iran

## انتظار از صاحبان فکر و اندیشه:

پیروزی‌های بزرگ در زندگی این جانب فواد فراوان بوده است. اما این یکی ویژه می‌باشد. با خود عهد کرده بودم، به ازای هر سال عمرم حداقل یک جلد کتاب تألیف و به جامعه ارائه دهم. با کمال مسرت اعلام می‌دارم که نرسیده به سن ۶۵ سالگی موفق شدم، تعداد ۷۰ عنوان از پیش از ۴۰۰ کتاب خود را بدون بیماری علمی و کمال مادی دیگران به زیر ماشین چاپ برسانم. تدارک و چاپ و عرضه می‌۷۰ کتاب در کمتر از ۴۰ ماه قطعاً رکوردی برای ثبت در کتاب کینس می‌باشد. لذا از دلوزان و آگامبن و عاشقان قلم و کتبات انتظار دارم در این مورد اقدام نمایند. کسانی که در کار نویسندگی و چاپ و نشر کتاب هستند، می‌دانند که چه مشکلات و معضلات و دردسرهایی در این مسیر بسیار پر مشقت وجود دارند. سید محمد فواد ابراهیمی - ۲۱ آبان ۱۳۹۸

## فهرست

۸	..... مقدمه:
۱۷	..... INTRODUCTION
۲۴	..... لغزش عامل حرکت و پویائی
۲۹	..... SLIP AGENT OF MOTION AND DYNAMIC
۳۴	..... نظریه ابعاد زمان
۴۸	..... THE DIMENSION OF TIME THEORY
۵۹	..... زمان منفی، انرژی تاریک، ماده تاریک
۶۹	..... NEGATIVE TIME, DARK ENERGY AND DARK MATTER
۷۷	..... جهان‌های موازی
۹۸	..... PARALLEL WORLDS
۱۱۷	..... بیوگرافی سیدمحمدفواد ابراهیمی
۱۲۷	..... RESUME
۱۳۶	..... نمای جلد‌های ۷۰ کتاب چاپ شده فواد

## مقدمه:

همه را بیازمودم ز تو خوشترم نیامد      چو فرو شدم به دریا چو تو گوهرم نیامد

سر خنبه‌ها گشودم ز هزار خُم چشیدم      چو شراب سرکش تو به لب و سرم نیامد

نیوتن: این که اندک بگوئید ولی در باره‌ی آن مطمئن باشید و بقیه‌ی مطلب را به دیگرانی که در آینده خواهند آمد واگذارید، خیلی ارجح است به این که همه چیز را بگوئید، اما با شک و تردید باشد.

به یاد سال‌های دور می‌افتم که در کلاس‌های درس با شاگردان عزیزم در آسمان علم و معرفت پرواز می‌کردم و با هم در فضای بی‌کران ریاضیات به گشت و گذار می‌پرداختیم. تا آن جا که به خاطر می‌آورم، همواره ذهنم در حال جنبش بوده و شبانه‌روز متصل در حال فکر کردن بودم. سئوالات بی‌شماری برای خود مطرح نموده و در پی یافتن پاسخ آن‌ها تلاش کرده‌ام. هنوز جواب سئوالی را نیافته، ده‌ها سئوال دیگر اضافه شده و هر آن زیر بار سنگین هزاران سئوال بی‌جواب انرژی مصرف کرده و می‌کنم. شاید قبل از این که به تحصیلات مکتب و مدرسه بپردازم، فکرم متوجه محیط اطرافم گردید و با پرسش‌های فراوان به یک ورزش ذهنی در جهت یافتن پاسخ‌ها مبادرت ورزیده‌ام. در اوایل خدمت معلمی در اتاق بسیار بی‌بضاعت استیجاری در بخش دیواندروی کردستان یک بارقه‌ی فکری را به رشته‌ی تحریر در آوردم که متأسفانه حتی یک نفر هم پیدا نشد که آن را کاملاً درک نماید! اما من با یقین به کار خود و با امیدواری به انتشار آن پرداختم. آن مطلب را تحت عنوان "سیری در ریاضیات" روی کاغذ مومی نوشتم و با دستگاه استنسیل که اکنون دیگر اثری از آن سیستم تکثیر نمانده است، هزار نسخه از آن را روی کاغذ ۳۳ در ۲۲ چاپ نمودم و به توزیع آن بین اهالی ریاضی در سراسر ایران پرداختم. آن مطلب محور اصلی یکی از تخیلات ذهنی این جانب از زمان تحصیلات ابتدائی بود که فکر می‌کنم یک پیش‌بینی برای مجموعه‌های اعداد ناشناخته در بر دارد. پس از عرضه‌ی آن، چند اظهار نظر بدست این جانب رسید که در کتاب‌خانه و بایگانی عظیم فواد وجود دارند. آن موقع با یک تمبر دو ریالی، یک پاکت نامه به اقصی نقاط ایران بدون هیچ کم و کاست و خطری از طریق پُست ارسال می‌گردید. اظهار نظرها راجع به آن بسیار متفاوت و بعضی از آن‌ها ضد هم بوده و بسته به دیدگاه شخص و میزان تحصیلات و تجربه‌ی کاری و البته ذکاوت و بینش فرد، رهنمودهایی نیز در آن‌ها دیده می‌شود. یک استاد ریاضی تحصیل کرده‌ی ایالت متحده‌ی آمریکا نوید پیش‌بینی و کشف اعداد تازه و ناشناخته‌ای را در آینده به من داد و کره‌ی ریاضی فواد مندرج در مقاله را هم‌چون جدول مندلیف تلقی کرد و بسیار خوش‌بینانه مرا تشویق و حتی تأیید نموده است. در مقابل استاد دیگری از تهران با اشاره به سطح تحصیلات من و ... آن مقاله را بسیار بد و بدون ارزش علمی خوانده است! می‌خواهم به عرض آگاهان برسانم که من همیشه در ابراز تخیلات فکری خود عجله کرده و به قول یکی از دوستان، مطالب را ناپخته به میدان فکری عموم می‌اندازم! با اطلاعی که از تاریخ علم ریاضیات دارم، من



راهی خلاف راه کارل فریدریش گائوس را می‌پسندم. ایشان تا آن‌جا به پخت ارائه‌دادن تخیلات و تفکرات خود بهاء می‌داد که با مرحوم لباچوفسکی درگیر شد. یعنی گائوس ادعا نمود که خیلی قبل از آن که لباچوفسکی هندسه‌ی اقلیدس را زیر سؤال ببرد و اصل توازی هذلولوی را جایگزین اصل توازی اقلیدس بنماید، وی به آن کار پرداخته بوده ولی آن را ارائه نداده است! البته این یک قیاس است! من با نهایت صداقت اعلام می‌کنم که در طول عمرم همواره دارای تخیلات و تفکرات علمی و فلسفی بوده‌ام. با کمال تأسف همیشه محیط من برای پروراندن آن افکار و تخیلات، نامناسب و عوامل زیادی در سرکوب کردن دخالت داشته‌اند و توسط اطرافیان همواره مورد انتقاد مغرضانه و ناامید کننده قرار گرفته‌ام. هرگز فراموش نمی‌کنم وقتی گراف آرایش الکترونی ساختمان اتم کریپتون با عدد اتمی ۳۶ را در سال‌های قبل از ۱۳۵۰ شمسی در دبیرستان هدایت سندج به معلم شیمی نشان دادم، در کمال تعجب گفت: دانشمندان در این مورد چگونگی آرایش الکترونی اتم‌ها، هنوز تا عنصر با اعداد اتمی کمتر از ۲۰ را تکمیل نکرده‌اند، حال شما روی عنصر ۳۶ کار می‌کنی؟! ایشان به جای این‌که مرا به مراکز علمی در تهران معرفی نماید و یا خودش راهنمای فکری من شود تا به کشفیاتی منجر گردد. فقط با گفتن یک آفرین توأم با تمسخر پرونده را بست! در سال ۱۳۹۴ شمسی که حدود ده سال از بازنشستگی من می‌گذشت، بالغ بر ۲۰ مورد تخیل علمی در زمینه‌های مختلف به ذهنم خطور کرد و توانستم چند تائی از آن‌ها را به رشته‌ی تحریر درآورم. از جمله مطلبی فیزیکی - فلسفی بسیار بدیع و نوظهور تحت عنوان "حرکت در عرض زمان" که آن را در سخن‌رانی‌های همایش ریاضیات از نگاهی دیگر<sup>۱</sup> در روز پنجشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۴ شمسی ارائه دادم. اگر در جوانی هجرت می‌کردم و به میان آدمیان غربی می‌رفتم که بیشتر به علم بهاء می‌دادند، شاید به مجموعه‌ی افراد مرزשکن ملحق و بیشتر می‌توانستم به جامعه‌ی بشریت خدمت بکنم. البته من افتخار می‌کنم که دوران معلمی ریاضی را عاشقانه و با موفقیت طی کردم. تعداد دست‌نوشته‌هایم از مرز هزار عنوان گذشته است و از زمان بازنشستگی دارم آن‌ها را به دیجیتال تبدیل می‌نمایم. تلاش من آن است که همه‌ی آن‌ها را در سایت شخصی فوادروپال که از قدیمی‌ترین سایت‌های شخصی جهان است قرار دهم. هیچ چشم‌داشتی مادی از این کار خود نداشته فقط می‌خواهم جوانان مستعد و متفکر در تکمیل بارقه‌های فکری و ادعاهای علمی و فلسفی این‌جانب بکوشند.

بدون تعارف، برای تسهیل در مطالعه‌ی این کتاب، رعایت و توجه به موارد زیر ضرورت دارد که حداقل تدبیر و شاید زمینه‌ساز جهت دریافت پیام‌ها باشد.

- ۱- داشتن اطلاعات اولیه از علوم دقیقه یعنی ریاضیات، فیزیک، شیمی و نجوم و حتی ادبیات، فلسفه و روان‌شناسی.
- ۲- داشتن صبر و حوصله برای حداقل پنج بار خواندن هر متن برای آمادگی جهت ادامه‌ی مطالعه و پیشروی در موضوعات کتاب.

- ۳- عدم قضاوت لحظه‌ای راجع به پیام یک متن و حتی یک جمله با توجه به برداشت‌های ذهنی خود که قطعاً مسیر ارتباط را تغییر خواهد داد، چرا که پیام‌ها در مجموع متون کتاب نهفته است.
- ۴- تصورات ذهنی خود را ملاک قرار ندهید، چون که در جاهائی که فکر می‌کنید که نیاز به تصویر ذهنی دارید، اصلاً تصویری در کار نیست و ابدأ نمی‌توان چیزی را تصور نمود.
- ۵- خوشبینی کامل نسبت به موضوعات و حاضر به صرف وقت کافی در جهت مطالعه‌ی دقیق و موشکافانه و خودداری از مقاومت در برابر این قراردادهای یعنی نادیده گرفتن آن‌ها، در غیر این صورت به نتیجه‌ی مطلوب نخواهید رسید.
- ۶- پس از مطالعه‌ی کل کتاب تازه متوجه می‌شوید که بایستی مجدداً از اول، کتاب را برای درک عمیق‌تر موضوعات مطالعه کنید.
- ۷- چند بار خواندن کتاب در فواصل زمانی باعث رفع ابهامات و ظاهر نمودن سایه‌روشن‌های فراوان موجود در نوشته‌ها خواهد شد.
- ۸- هر چند بار کتاب را مطالعه کرده باشید، باز جا دارد که بار دیگر به مطالعه‌ی دقیق‌تر آن بپردازید.
- ۹- از بحث کردن در رابطه با موضوعات کتاب با دیگرانی که این کتاب را دقیق مطالعه نکرده‌اند، پرهیز نمائید. چون اصلاً هم‌آهنگ نمی‌شوید.
- ۱۰- متأسفانه همیشه تعداد کلمات و واژه‌ها برای بیان مفاهیم ذهنی بسیار کم بوده است. شاید در وادی ریاضیات این مقوله دردسر کمتری فراهم نماید، چون که با استفاده از حروف و علائم و شماره‌گذاری تحت عمل اندیسی یا ... می‌توان در سطح گسترده بدون ابهام به تشریح موضوعات پرداخت. ولی در وادی ادبیات و به‌ویژه در حیطه‌ی نویسندگی مشکل بدجوری عیان و معضلات فراوانی به‌وجود می‌آورد. به‌خصوص برای بیان افکار فلسفی، مشکل دو چندان می‌گردد. لذا برای پرداختن به شرح موضوعات بسیار فلسفی این کتاب ناچار هستیم، طبق روال معمول با تعریفات و توجیحات به نوشتن پیردازم و از واژه‌های شناخته شده استفاده نماییم. یقین دارم که بار معنائی کلمات و واژه‌ها در اذهان افراد، متفاوت بوده و از این‌رو با برداشت‌های گوناگون، منجر به نتیجه‌گیری‌های مختلف می‌شود.
- ۱۱- نماد سه نقطه‌ی افقی ( ... ) تعریف علمی دارد و نباید نقطه‌ای کم و یا نقطه‌ای اضافه شود! این نماد را *etsetra* نامیده‌اند و به‌معنی "ادامه دادن با همین روال"، "به‌همین ترتیب" و "و غیره" می‌باشد. برای روشن شدن مفهوم این نماد سه نقطه‌ی افقی بهتر است به این مثال توجه گردد. اگر بخواهیم تریلیون‌ها ستاره‌ی کائنات را با حرف *s* همراه با اندیسی عددی اسم‌گذاری کنیم و به‌عبارت دیگر نزدیک‌ترین ستاره یعنی خورشید را که در منظومه‌ی شمسی است با  $s_1$  و دومین ستاره را در کهکشان راه شیری با  $s_2$  و سومین ستاره را با  $s_3$  و با همین روال به نوشتن اسم تمام ستاره‌ها بپردازیم، اولاً این کار ضرورتی ندارد، ثانیاً اگر تا پایان عمر، شبانه‌روز لاینقطع به‌آن مشغول شویم، هرگز نخواهیم توانست، اسم همه‌ی ستارگان موجود در کائنات را فقط

و فقط لیست کنیم! ثالثاً در ادامه‌ی کار به جاهانی می‌رسیم که نوشتن اسم همه‌ی ستاره‌ها غیرممکن خواهد شد! مثلاً  $s$  با اندیس شماره‌ی "دویست و پنجاه و هشت تریلیون و سیصد و چهل و نه میلیارد و نهمصد و شصت و دو میلیون و پانصد و سی و هفت هزار و نهمصد و پنجاه و یک" را به‌سختی می‌توانید، در لیست کاغذی یا حتی در متن کامپیوتری جا دهید؟ تازه فرض می‌کنیم که نوشتن را با سرعت برق انجام می‌دهیم، آیا خواهیم توانست در طول عمرمان اسامی همه‌ی ستارگان عالم را بنویسیم؟ در ضمن فرض بر آنست که در نوشتن ارقام اعداد، اشتباه نمی‌کنیم. لذا ناچار هستیم پس از نوشتن چند اسم مثلاً  $s_1$  و  $s_2$  و  $s_3$  "به‌همین ترتیب" را بنویسیم که رسم‌الخط علمی آن چنین است:  $s_1, s_2, s_3, \dots$  و می‌دانید که مجموعه‌ی اعداد طبیعی را با رسم‌الخط علم ریاضی چنین نمایش می‌دهند:

$1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, 10, 11, 12, 13, \dots$

۱۲- فرق میان شیئی و تصویر آن شیئی در آئینه را بدانید که شیئی حقیقی بوده، ولی تصویر آن مجازی است. یعنی شیئی موجود مادی و از عناصر مادی شیمیائی ساخته شده است، اما تصویر ظاهراً و در خیال ما فقط وجود ذهنی دارد و اگرچه با چشم سر هم در آئینه دیده می‌شود، اما موجودی مادی نیست و از عناصر شیمیائی ساخته نشده است و اصلاً وجودی خارج از ذهن انسان را ندارد!

۱۳- اساس خلقت بنا بر زوجیت بوده و شامل تمام موجودات عالم هستی و کائنات می‌شود. یعنی هر چیزی جفتی دارد که در زبان علمی در بیشتر حالات با علامت مثبت و منفی از هم جدا می‌شوند و در ادبیات کلامی و نوشتاری با کلماتی چون همزاد، جفت، همسر، قرینه، هم‌ترازو، هم‌سنگ، یاد و ... خطاب می‌شوند. حتی در ذرات بینهایت ریز یعنی ذرات ابتدائی هم زوجیت برقرار است. در این متن اشاره به "هر چیزی جفتی دارد" منظور از کلمه‌ی "هر" سور عمومی در منطق ریاضی است. به معنای "تمام و بدون استثناء" و همچنین "برای همه" و به معنی  $for\ all$  یا  $for\ every$  می‌باشد. یعنی اگر مثال نقضی پیدا شود، بسیار بسیار بعید و دور از انتظار خواهد بود.

۱۴- منظور از جهان‌های موازی در اینجا موازی بودن دو خط یا صفحه در ریاضیات نیست.

این‌جانب سیدمحمدفواد ابراهیمی (نگارنده) در سال ۱۳۹۴ شمسی برابر با سال ۲۰۱۵ میلادی بارقه‌ای فکری به ذهنم رسید و موضوع آن را تحت عنوان "حرکت در عرض زمان" روی کاغذ نگاهشتم. یعنی برای زمان، ابعاد چندگانه قائل شده بودم و این مطلب بکر و نوظهور، موضوع سخن‌رانی علمی من در سمینار "ریاضیات از نگاهی دیگر" در اسفند ماه ۱۳۹۴ در سمنج شد که به‌عنوان مقاله ارائه داده بودم. فیلم آن سخن‌رانی موجود است. هم‌چنین در جلد اول کتاب فلسفی "بارقه‌های فکری" خود در بهار ۱۳۹۶

شمسی آن را به چاپ رسانده‌ام. مهمتر این که در نشریه‌ی وزین "همرهان افق قریب" شماره ۱۳ بهار ۱۳۹۶ شمسی نیز چاپ گردیده است. در اواخر سال ۱۳۹۴ شمسی دانش‌جوی فعال جناب آقای علیرضا غریب دلسوزانه مطلب "حرکت در عرض زمان" را به زبان انگلیسی برای ناسا ارسال کردند. یعنی نظریه‌ای از فواد در مورد چند بُعدی بودن زمان. تصویر ایمیل ارسالی این است.

----- Forwarded Message -----

**From:** Alireza Gharib <gharibalireza@yahoo.com>

**To:** "nssc-contactcenter@nasa.gov" <nssc-contactcenter@nasa.gov>

**Sent:** Thursday, June 30, 2016 10:54 AM

**Subject:** Movement across the time

Dear Professor,

Kindly find attached documents which are related to my professor works in Kurdistan, Iran. He is a distinguished teacher in math but unfortunately his ideas are not known yet. He has new ideas for problem solving but he has never been recognized in Iran. His ideas are quite novel and valuable.

It is appropriate to consult with you about some of his ideas.

Please send me your feedback regarding his works.

Best

Alireza Gharib

One of the students of Mohammad Foad Ebrahimi

بعد از گذشت سه سال یعنی در بهمن سال ۱۳۹۶ شمسی مطابق با ماه فوریه سال ۲۰۱۸ میلادی در اینترنت با مطلبی استثنائی روبه‌رو شدم که مرا سخت تکان داد. زیرا سئوالی مطرح شده بود که آیا ممکن است زمان نیز مثل مکان دارای ابعاد باشد؟! از آن‌جا که ایده‌ی اضافه کردن بُعدی دیگر به تک بُعد زمان در آن مطرح شده بود، مرا بسیار متحیر نمود! هم‌چنان که نوشتیم، سه سال قبلش یعنی در سال ۲۰۱۵ میلادی این ایده از فواد برای دانشمندان ناسا ارسال شده بود.

مطلب اینترنت را که زیر این تصویر رنگی قرار داشت، به استحضار می‌رسانم.



آیا ممکن است زمان هم مانند مکان چند بُعدی باشد؟

سالیان سال تصور فیزیک‌دان‌ها آن بود که فضا سه بُعدی است. اما از ابتدای قرن بیستم این تصور شروع به تغییر کرد. در ابتداء این نظریه مطرح شد که شاید فضا چهار بُعدی باشد. ولی با گذشت زمان تعداد ابعاد فضا باز هم بیشتر شد تا این‌که امروزه بهترین نظریه‌های مطرح در فیزیک، فضا را ده بُعدی می‌دانند! جهان ما با سه بُعد فضائی، تنها یک جهان از میان جهان‌های بی‌شمار شناور در پهنه‌ی کائنات است. طی سال‌های اخیر، ابعاد باز هم بیشتری وارد صحنه‌ی این نبرد شده‌اند. در سال ۱۹۸۴ میلادی انقلاب برریرسمان‌ها به‌وقوع پیوست. این نظریه تمامی جهان را متشکل از ریسمان‌های انرژی می‌داند که در ۹ بُعد مکانی و یک بُعد زمانی در حال ارتعاش هستند. سپس ادوارد ویتن از مؤسسه‌ی مطالعات پیشرفته‌ی پرینستون امریکا و پائول تاونسند از دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۹۵ میلادی بُعد فضائی دیگری را نیز به نظریه‌ی ریسمان‌ها اضافه کرده و نظریه‌ی

دیگری بنام نظریه‌ی  $M$  را ارائه کردند. این نظریه در واقع تعمیمی از نسخه‌های متفاوت نظریه‌ی ریسمان بود. اما به رغم موفقیت‌های ارزنده‌ی نظریه‌ی  $M$  این نظریه نیز نتوانست تفاوت‌های موجود میان نسخه‌های مختلف نظریه‌های ریسمان را حذف کند. دقیقاً پس از قرن‌ها بالاخره سر و کله‌ی یک فیزیک‌دان پُر شهامت با ارائه‌ی نظریه‌ی  $F$  پیدا شد که معتقد است، با افزودن یک بُعد زمانی جدید به معادله‌های توصیف‌کننده‌ی کائئات می‌توان، بسیاری از مسائل لاینحل موجود در فیزیک امروز را حل کرد. این فیزیک‌دان جسور کسی نیست جز کامران وفا فیزیک‌دان برجسته‌ی ایرانی دانشگاه هاروارد که به‌همراه رابرت برندنبرگر این نظریه را نخستین بار مطرح کردند. نظریه‌ی  $F$  با افزودن یک بُعد جدید به نظریه‌ی  $M$  تصویری ۱۲ بُعدی را از کائئات ارائه می‌دهد. نظریه‌پردازان نیز مشتاقانه از نظریه‌ی  $F$  استقبال کردند. چرا که این نظریه با بُعد اضافی خود، مسائل باقی‌مانده در نظریه‌ی  $M$  را به‌خوبی حل می‌کند. اما از آن‌جائی که بُعد اضافی مطرح شده در نظریه‌ی  $F$  نه یک بُعد مکانی، بلکه یک بُعد زمانی است، بنابراین نظریه‌ی مزبور، پیامدها و چالش‌های فلسفی عمیقی را نیز با خود به میدان آورده است!

\*\*\*\*\*

من (فواد) در کمال حیرت ماندم که چکار کنم و چگونه این اطلاعات را به‌هم ربط دهم؟! این سؤال برایم پیش آمد که آیا ممکن است جناب آقای کامران وفا از ایده‌ی این‌جانب در نظریه‌ی  $F$  استفاده کرده باشد یا نه؟! لذا از آقای علیرضا غریب که نظریه‌ی "حرکت در عرض زمان" من را برای ناسا فرستاده بود، درخواست نمودم که دنبال موضوع را بگیرند تا شاید ابهام روشن شود! اختلاف زمان حدود سه سال برای اعلان یک نظریه بسیار قابل توجه است! بنابراین هم pdf مقاله‌ی "حرکت در عرض زمان" و هم تصویر

ایمیل آقای علیرضا غریب را پیوست ایمیل زیر برای ناسا ارسال کردم تا پیشینه دنبال شود.

**Foad Ebrahimi** <foad.ebrahimi@gmail.com>

to [nssc-contactcenter@nasa.gov](mailto:nssc-contactcenter@nasa.gov) ۱۷ march ۲۰۱۸

Hi,

I hope you are doing well,

This is Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi, retired mathematics and computer lecturer in Sanandaj, Iran.

“Movement across the time” that is one of my theories at ۲۰۱۶, which was sent to you by my student, AlirezaGharib.

Now, I send the developed and improved that idea. I’ve change the name of my manuscript to “Time dimensions”.

I hope you read and consider my idea and reflect your feedback to me.

I’m waiting to see your comments.

Sincerely

Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi ۱۷ march ۲۰۱۸

البته این جانب منتظر پاسخ نمانده و تصمیم بر آن گرفتم تا در جهت بسط و تکمیل نظریه‌ام، آن چه را که در ذهن دارم، به‌رشته‌ی تحریر در آورده و پس از ویرایش و جمع‌بندی به ارسال آن همراه با یک مطلب بکر و استثنائی فلسفی دیگر تحت عنوان " لغزش عامل حرکت و پویائی است " برای سازمان ناسا مبادرت ورزیدم.

**Foad Ebrahimi** <foad.ebrahimi@gmail.com>

to [nssc-contactcenter@nasa.gov](mailto:nssc-contactcenter@nasa.gov) ۲۱ apr ۲۰۱۸

Hi,

I hope you are doing well,

This is Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi, retired mathematics and computer lecturer in Sanandaj

Now, I send the developed and improved that idea. I’ve change the name of my manuscript to stumble theory

I hope you read and consider my idea and reflect your feedback to me

I’m waiting to see your comments.

Sincerely

Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi ۲۱ apr ۲۰۱۸

در سال ۲۰۱۹ میلادی ایمیلی از سازمان ناسا آمریکا آمد. چند راهنمایی در آن بود که با چه قسمت‌هایی از ناسا موضوع را در میان بگذارم و ...

سر انجام به این نتیجه رسیدم که "نظریه ابعاد زمان" را به صورت یک کتاب در آورم. با هزینه‌ی کلان کتاب را به چاپ رساندم و برای مراکز علمی در سراسر دنیا ارسال کردم. مرتب بارقه‌های فکری بیشتری به مغز من رسیدند. برخی از آن‌ها را با عناوین مختلف برای گروه فیزیک تعدادی دانشگاه‌های خارج از ایران ایمیل کرده و در آستانه‌ی سال ۲۰۲۰ میلادی با ترجمه‌ی چند بارقه‌ی فکری دیگر به تهیه‌ی کتاب حاضر پرداختم. امیدوارم پیام خود را به‌دین‌وسيله به جامعه‌ی دانشمندان کیهان‌شناسی برسانم.

مُهره توان یافت، مار اگر بگذارد      غنچه توان چید، خار اگر بگذارد  
باهمه حسرت، خوشم‌به‌گوشه چشمی      چشم بد روزگار، اگر بگذارد!  
سیدمحمدفواد ابراهیمی

مدرس باز نشسته ریاضیات و کامپیوتر دانشگاه فرهنگیان سنج





## Introduction:

*Newton: It is very much preferable to say a little, but to be certain about it and leave the rest of the story to others who will come in the future, than to say everything, but to be doubtful.*

To be honest, to facilitate the study of this article, consideration should be given to the following, which may be at least a prudent and perhaps prerequisite for receiving the article's message:

- 1) Having basic knowledge of exact sciences such as mathematics, physics, chemistry, astronomy and even literature, philosophy and psychology.
- 2) Having the patience to read each text at least five times in to be prepared for further study and advancement on the subject of the article.
- 3) Not taking a moment to judge the message of a text and even a sentence with regard to subjective perceptions that will definitely change the direction of the communication, because the overall message lies in the overall text of the article.
- 4) Don't rely on your mental images, because in places where you think you need mental imagery, there is no image at all and nothing could be imagined at all.
- 5) Full optimism about the subject and willingness to spend enough time to study carefully and precisely, to refrain from resisting these contracts, or ignoring them, otherwise you will not achieve the desired result.
- 6) After reading the whole article, you will find out that you have to re-read the article for a deeper understanding of the subject.
- 7) Repeating the article several times will eliminate the ambiguity and appear many highlights in the post.
- 8) Although you have read the article several times, there is still time to study it more closely.
- 9) Avoid discussing the subject of the article with others who have not read the article in detail. Because you are not synchronized at all.

۱۰) Unfortunately, the number of words used to express mental concepts has always been too low. It may be less troublesome in the field of mathematics, since using letters and signs and numbering under indexes or ... could broadly explain the topics without ambiguity. But in the field of literature, and especially in the field of writing, there is a great deal of uneasy problem and difficulty. Especially for expressing philosophical thought, the problem is twofold. So, in order to address the very philosophical theme of this article, I have to write with definitions and justifications, as usual. And use well-known words. I am convinced that the meaning of words is different in people's minds, and therefore, different understandings lead to different conclusions.

۱۱) The symbol of three horizontal dots (...) is scientifically defined and no dots should be added or left! This symbol is called "etsetra" and means "keep up with the same routine", "so on" and "etc." To illustrate the concept of these three horizontal dots, consider the following example.

If we want to name trillions of star of the universe with the letter s in numerical index, that is to show the nearest star, the Sun in the solar system with  $s_1$  and the second star in the Milky Way with  $s_2$  and the third star with  $s_3$  and so on to Write the names of all the stars, First of all, this is not necessary, secondly, if we keep it busy for the rest of our lives, we will never be able to list all the stars in the Universe alone! Third, we get to places That it would be impossible to write a star name! For example, how does one fit in a paper list or even a computer text with an index of "two hundred and fifty-eight trillion, three hundred and forty-nine billion nine hundred and sixty-two million and five hundred and thirty seven hundred and fifty-one"?

Even Assuming we are writing at the speed of light,still will we be able to write the names of all the stars in our lifetime? It is also assumed that we are not mistaken in writing numbers.

So after writing a few names like  $s_1$ ,  $s_2$ ,  $s_3$ , etc which its scientific formula is as Follous:  $s_1, s_2, s_3, \dots$

And you know that the set of natural numbers is represented by the mathematical line:

۱, ۲, ۳, ۴, ۵, ۶, ۷, ۸, ۹, ۱۰, ۱۱, ۱۲, ۱۳, ...

- ۱۲) Know the difference between an object and its image in the mirror, the object is real, but its image is virtual. That is, the object is a material being made of chemical elements, but the image seems to exist only in our imagination, and although it is seen in the mirror, it is not a material being and is not made of chemical elements, and has no extraterrestrial being out of the human min.
- ۱۳) The basis of creation is on pairs and includes all beings of the universe and the universe. That is, everything has a pair that in the scientific language are separated in most cases by a positive or negative sign and are addressed in the verbal and written literature with words such as spouse, pair, proportion, symmetrical, parallel anti and so on.
- ۱۴) The parallel worlds here do not mean the parallelism of two lines or pages in mathematics.

I, Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi (writer), who got a mind spark in ۲۰۱۵, and I wrote it on the paper entitled "Move through the Time".

After three years in February ۲۰۱۸, I visited a website, which, for some reason, shocked me hard . There was a question, whether the time may also have dimensions such places? As I mentioned, about three years before this moment, I gave a theory about more than one dimension for time, and wrote a novel and emerging manuscript entitled "move through the time" and it was the subject of my scientific lecture at the "Mathematics from another Glance" Seminar held in February ۲۰۱۶ in Sanandaj, which I presented as an article. The film of that presentation is available, and I also published it in the first volume of my philosophical book "The mind Sparkles" in ۲۰۱۶.

More importantly, this paper was published in the ۱۳th issue of "Hamrahan Gharib" journal. That is, the validity of the claim is documented and there is no doubt about it. So I decided to write about what I have in mind in order to develop my theory. In ۲۰۱۶, my active student, Mr. Alireza Gharib, gratefully sent a summary of "move through the time" to NASA in English. Theory of multi-dimensionality of time from Foad (me).

----- Forwarded Message -----

**From:** Alireza Gharib <gharibalireza@yahoo.com>

**To:** "nssc-contactcenter@nasa.gov" <nssc-contactcenter@nasa.gov>

**Sent:** Thursday, June 30, 2016 10:54 AM

**Subject:** Movement across the time

Dear Professor,

Kindly find attached documents which are related to my professor works in Kurdistan, Iran. He is a distinguished teacher in math but unfortunately his ideas are not known yet. He has new ideas for problem solving but he has never been recognized in Iran. His ideas are quite novel and valuable.

It is appropriate to consult with you about some of his ideas.

Please send me your feedback regarding his works.

Best

Alireza Gharib

One of the students of Mohammad Foad Ebrahimi

Three years passed, and there was no response from NASA till I was shocked by accidentally met a subject called "Multi-dimensional Time" in the Internet. Since the idea of adding another dimension to the time was discussed. See the same article, in following which was written under a color image.



Is it possible to have multi- dimensional time such as places?

For many years, physicists imagined that space was three-dimensional. But from the beginning of the ۲۰th century this idea began to change. Initially, it was suggested that space may be four-dimensional. But over time, number of dimensions of space still increased, until now, the best theories in physics, consider the space is ten - dimensional. Our world with three spatial dimensions is just one universe among the many floating worlds in the cosmos.

In recent years, more dimensions have emerged. In ۱۹۸۴, the superstrings revolution took place. It considers the whole universe consist of energy strings vibrating in ۹ spatial and one vibrating time dimensions. Then Edward Whittn of the Princeton Institute of Advanced Studies in the United States and Pauls Townsend of Cambridge University in ۱۹۹۰ added a further spacial dimension to string theory and proposed another theory called M.

This theory was in fact a generalization of the different versions of string theory. But in spite of the valuable achievements of M theory, this theory also failed to eliminate the differences among the various versions of string theory. Precisely after centuries, at last of a bold showed up presenting F theory, which states that by adding a new time dimension to the descriptive equations of the universe, one can solve many unsolved problems in today's physics. This courageous physicist is none other than Kamran Wafa, the prominent Iranian physicist at Harvard University who, along with Robert Brandenberger, put forward this theory for the first time. The F theory presents a

۱۲-dimensional image of the universe by adding a new dimension to M theory. Theorists also eagerly welcomed F theory. Since this theory, with its additional dimension, perfectly solves the remaining issues in M theory. But since the additional dimension proposed in F is not a spatial dimension, but a time dimension, the theory said also has its consequences and profound philosophical challenges.

.....

I (Foad) wonder how to work and how to relate this information? The question came to me whether Mr. Kamran Wafa might have used my idea in F theory or not. Immediately, I requested Mr. Alireza Gharib, who sent my theory "Movement Through Time" to NASA, that follow up on the subject so that the ambiguity may be clear! The time difference of about three years is very noticeable for the announcement of a theory! Of course, I did not wait for it, and after reviewing and completing my theory, I sent it along with a few other contents for the NASA organization, which has not come up with any comment from the United States until now (Oct. ۲۰۱۸)

Foad Ebrahimi [foad.ebrahimi@gmail.com](mailto:foad.ebrahimi@gmail.com) ۱۷ Mar ۲۰۱۸

to [nssc-contactcenter@nasa.gov](mailto:nssc-contactcenter@nasa.gov)

Hi,

I hope you are doing well,

This is Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi, retired mathematics and computer lecturer in Sanandaj, Iran.

“Movement across the time” that is one of my theories at ۲۰۱۶, which was sent to you by my student, AlirezaGharib.

Now, I send the developed and improved that idea. I’ve change the name of my manuscript to “Time dimensions”.

I hope you read and consider my idea and reflect your feedback to me.

## ۲۳ | introduction

---

I'm waiting to see your comments.

Sincerely

Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi ۱۷ march ۲۰۱۸

Pdf of "move through time" was attached as well as picture of Mr Alireza gharib. This incident caused me to work more on my theory. When I came up with a more detailed explanation, I sent the e-mail to the NASA with an attachment entitled "The Dimension of Time Theory". In addition, I sent a particularly intriguing and extra-curricular topic, "Slipping is the agent of motion and dynamism."

Foad Ebrahimi [foad.ebrahimi@gmail.com](mailto:foad.ebrahimi@gmail.com) ۲۱ apr ۲۰۱۸

to [nssc-contactcenter@nasa.gov](mailto:nssc-contactcenter@nasa.gov)

Hi,

I hope you are doing well,

This is Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi, retired mathematics and computer lecturer in Sanandaj

Now, I send the developed and improved that idea. I've change the name of my manuscript to stumble theory

I hope you read and consider my idea and reflect your feedback to me

I'm waiting to see your comments.

Sincerely

Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi ۲۱ apr ۲۰۱۸

The content of this book is presenting what I wrote as "The Dimension of Time Theory" and sent it to the United States. I believe that finally, history will judge what was going on and what is the subject of the matter?

## لغزش عامل حرکت و پویایی

بهار ۱۳۸۶ شمسی

ای قلم غیرت داشته باش، کم نیار و بتاز و بریز هر آن چه از کانال دست راست فواد به نوک آن قلم مطیع می‌رسد! نترس بلغز و برقص. نمی‌گذارم بیافتی! این لغزش تو با لغزش معروف و لغزش حرف دهن دیگران تفاوت‌ها دارد. این لغزش برای تو قلم با حرمت، فیزیکی است. بلغز تا حرکت یعنی حیات و زندگی جریان یابد و سکون یعنی مرگ مجال ظاهر شدن نیابد! پس برصفحه‌ی صاف کاغذ تا آن جا که می‌توانی بلغز. ای قلم تو پاتیناژ بازها را که دیده‌ای؟ هم‌چون آن‌ها با حرکات بدن و دست‌ها تعادل خود را حفظ کن و لغزش خود را خوش آیند بنما. من به دنبال تو بوده و کاملاً مواظبت هستم. آخر من هم سال‌هاست که می‌لغزم. خیلی‌ها پوست موز جلو پایم انداختند. لغزش را بسیار تجربه کرده‌ام. فراوان افتاده‌ام. اما فوری بلند شده و با دست، آلودگی‌ها را رفته و پاک کرده‌ام و بعد با استقامت و مقاومت مجدداً ایستاده و سپس حرکت را دنبال نموده‌ام. ولی این را بدان که لغزش مرتب بوده و هست. انگار بدون لغزش، یافتن راه محال خواهد بود! نمی‌دانم چه وقت افکار فلسفی پیدا کردم. اما تا آن جا که به یاد دارم، همواره لغزش در کار بوده است. اگر بگویم نیروی اصلی و اولین نیروی طبیعت، لغزش است، ورقی نو در فیزیک نوین باز می‌گردد و بر روح نیوتن، اینشتین، ماکسول و ماکس پلانگ بذر شادی پاشیده می‌شود. آنان شادمانه می‌گویند که بالاخره فواد مسئله‌ی وحدت نیروها را حل نمود! آری می‌توان نیروهای جاذبه، الکترومغناطیس، هسته‌ای ضعیف و هسته‌ای قوی را در قالب نیروی لغزش یک‌جا گرد آورد! شاید به جرأت بتوان گفت: نیروی محرکه برای حرکت، همان نیروی حاصل از لغزیدن است، یعنی **لغزش**.



من با تمام نیرو و با یقین کامل اعلام می‌نمایم که بیگ‌بنگ را لغزش به وجود آورد! بقیه‌ی موضوع را باید در جزوه‌های نجومی دانشمندان دنبال کرد تا به نتیجه رسید. من با جسارت می‌گویم: نیروی لغزش، اصل و مادر همان چهار نیروی موجود در طبیعت است که منشاء تمام رویدادها و پدیده‌ها هستند. اگر لغزش را کنار بگذاریم، تمام قوانین علم فیزیک و ... باطل خواهند شد. مگر الکترون‌ها دور هسته نمی‌لغزند؟ مگر پروتون‌ها و نوترون‌ها دور و بر هم نمی‌لغزند؟ مگر ستاره‌ها سرانجام در سیاهچال نمی‌لغزند؟ مگر نوزاد از جنین به بیرون نمی‌لغزد؟ مگر موقع نوشتن، ساچمه‌ی نوک خودکار نمی‌لغزد؟ اگر نلغزد چه‌گونه به جوهر داخل لوله‌ی پلاستیکی آغشته می‌شود؟ اگر همین نوک خودکار روی کاغذ نلغزد، آیا حرکت و اقدامی برای نوشتن به وجود می‌آید؟ اگر قطرات آب از لغزش بیافتند، آیا راهی جوی‌بارها و نهایتاً دریاها می‌شوند؟ اگر فواد نمی‌لغزید، آیا این زمینه برای پرداختن به موضوع بسیار مهم لغزش مهیا می‌شد؟

**" لغزیدن اصل انکار ناپذیر پیدایش و ادامه‌ی کار هستی است. سیدمحمدفواد ابراهیمی "**

روح اصل تاتاریزم هم لغزش است! باید به هگل و انگلس و مارکس گفت که اصل تغییر ابداعی شما بر اصل لغزش استوار است. یعنی بر اثر لغزش حالت و موقعیت دگرگون می‌شود و آن‌گاه تغییر احساس می‌گردد! پس آن‌چه که اصلی‌تر از هر اصلی است، همان اصل لغزش می‌باشد. همه‌ی حرکت‌ها و پدیده‌ها و تغییرات و تحولات و روندها و تکامل‌ها و دگرگونی‌ها و تبدیلات و ... همه و همه بر اثر لغزش به وجود می‌آیند. از دید فلسفی هم تناقض پیش نمی‌آید. اگر حوا مادر آدمیان بر اثر تلقینات شیطان نمی‌لغزید و او شوهرش آدم را نمی‌لغزاند و سرانجام دانه‌ی ممنوعه در گلوی آن‌ها نمی‌لغزید، آیا این همه لغزش را از فرزندان آدم که در کتاب‌ها و آثار مکتوبند، بر روی کره‌ی خاک شاهد بودیم؟! لغزش فیزیکی و لغزش معنوی یا غیرفیزیکی هر دو از

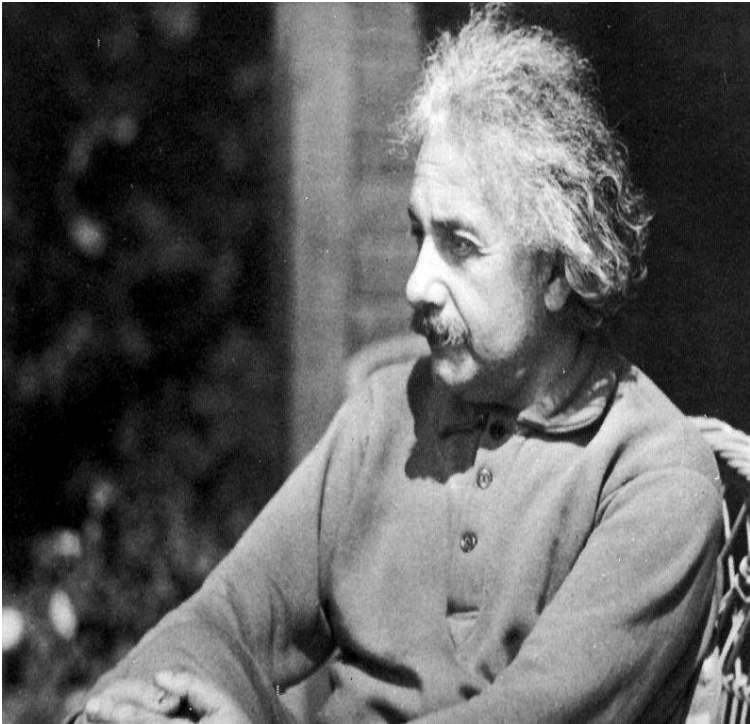
یک قماشند. یعنی ریشه‌ی همه‌ی لغزش‌ها از هر نوعی که باشد چه فکری چه جسمی چه زبانی چه احساسی و ... همه و همه از اصل لغزش ناشی شده‌اند. در هستی و کائنات هرچه وجود دارد، همه و همه می‌لغزند. چه جان‌دار و چه بی‌جان، یعنی هر چیزی در حال لغزیدن است. هر انسانی به مناسبتی و در مواقعی می‌لغزد، یعنی هرکسی خواسته یا ناخواسته لغزیده است. انگار شخص بی‌لغزش وجود ندارد! یعنی همه بدون استثناء لغزیده‌اند. همه کس و همه چیز لغزش داشته و مرتب مرتکب لغزش می‌شوند. اختیار در کار نیست. کلمه‌ی همه در این‌جا همان سور عمومی در ریاضی است. یعنی برای همه و به معنی *for all* یا *for every* می‌باشد. جالب این‌که خود لغزش هم لغزیده است! این پارادوکس ایجاد نمی‌کند. معنویون روی این نکته با مادیون و به‌ویژه با مارکسیست‌ها در می‌افتند و می‌گویند که اگر اصل تغییر مبناست و بر اثر آن همه چیز دائماً در حال تغییر است، پس باید شامل خود تغییر نیز بشود و این ایجاد جمع نقیضین و پارادوکس می‌کند. چون اگر اصل تغییر ثابت و جاودانی و لایتغییر باشد و خود آن موجب تغییرات در همه‌ی اجزاء هستی باشد، به پارادوکس بر می‌خوریم! زیرا کلمه‌ی همه دیگر سور عمومی نخواهد بود و یک مثال نقض وجود دارد و آن خود اصل تغییر می‌باشد که جزئی از هستی است. یعنی یا باید اصل تغییر را از هستی بگیرند و نیست شود که در آن صورت، دیگر اصلی در کار نخواهد بود و یا جزو هستی باشد و مشمول تغییر شود. یعنی خود اصل تغییر نیز شامل تغییر گردد! در آن صورت دیگر اصل ثابت نبوده و از کارائی تغییر دادن می‌افتد! یعنی غرضش باطل می‌گردد و در این‌جا به پارادوکس و یا به تناقض می‌رسیم که معنویون را بر مادیون چیره گردانیده است. نکته این‌جاست و جالب این‌که این پارادوکس و یا تناقض را بر اصل لغزش وارد نتوان کرد! چون لغزش خودش را هم می‌لغزاند! لغزش امری همگانی و نقطه‌ی شروع است. هیچ موجودی را

از لغزش مبرّی نیست. هر آن چه به تصور آید لغزیده است. همان لغزش آدم ابوالبشر باعث شد که تا پایان دنیا، اولاد آدم دچار لغزش شوند! پیامد همه‌ی لغزش‌های آدمیان به گردن آدم است که لغزش را به همه یاد داد! لغزش زاینده‌ی هستی است یعنی لغزش مرتب می‌زاید! زایمان لغزش نیز بر اثر لغزش اتفاق می‌افتد! آری دست در دست گذاشتن‌ها بر اثر لغزش فکری صورت گرفته و تا لغزش نمی‌بود، آن حرکت‌ها اتفاق نمی‌افتاد، در نتیجه تکثیر به‌وقوع نمی‌پیوست. اگر لغزش فکری فواد نبود، این نوشته مهیا نمی‌شد و با خواندن آن اذهان دیگران به لغزش نمی‌افتادند!

محمد داودی معلم ریاضی اهل شمال ایران در نامه‌ی مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۰ به فواد، راجع به این موضوع لغزش چنین نوشته است: ... شما تئوری بسیار جالبی بنام تئوری لغزش‌ها ارائه دادی که دقت بسیاری در آن دیدم. به شما تبریک می‌گویم. همان‌طور که پیشتر هم گفته‌ام از نظر من فواد هر وقت از خودش خارج شود و به بیرون از خودش به عنوان شخص ثالث پردازد، بُعد بیشتری پیدا می‌کند و پنج بُعدی می‌شود و البته تا هفت بُعدی شدن هنوز فاصله دارد! آن‌گاه از نظر من، فواد تبدیل به غول اندیشه می‌شود. البته باید در نوشتن عام از من خویش بیرون برود تا بتواند به پراکنش اندیشه‌ی عام مملو از تجربه برای عام برسد.

یک نکته را یادآوری می‌کنم که شما ( فواد ) در موضوع علمی خود جمله‌ای این‌چنین نوشتید: **لغزش عامل حرکت و پویایی است**. این شاه جمله‌ی متن شما است. نظریه‌ی جاذبه‌ی نیوتن برای سیصد سال حاکم بلامنازع علم فیزیک بود و هنوز کم و بیش از آن استفاده می‌شود. اما اینشتین گفت اجسام همدیگر را جذب نمی‌کنند، بلکه در اثر کورویکال Curvical بودن فضا به سمت همدیگر می‌لغزند! به عبارت دیگر چون فضا بر اساس هندسه‌ی ریمانی، منحنی است. بنابراین لغزش در چنین مسیره‌های منحنی شکل

به وجود می آید و لذا حرکت که ظاهر آن شبیه جاذبه است، به وجود می آید. یعنی از نظر اینشتین نیز لغزش به وجود آورنده‌ی حرکت است و از نظر فواد صلوات آبادی هم همین طور ...



## Slip agent of motion and dynamic

Spring ۲۰۰۷

Oh, pen, do not waste your time, and do whatever it takes to reach the tip of that font from the right hand channel of Foad! Do not be afraid scared and dance.

I Do not let you down! This is a slip of yours with a famous slip and slipping others to speak. Your slip is different from the famous slip and slip of tongue.

This slip is physical for you, respectful pen. slip until motion means life flows and inactivity it death can not come to emerge! So, slip on a sheet of paper as smooth as you can.

Have you seen those who ice-skate? Keep balanced with your body and hands movements, and enjoy your slip.

I am looking for you and I am very careful. Since I've been driving (slipped) for years. Many obstacles have been pulled in front of me. I've experienced a lot of slip. I've fallen over so much. But immediately I got up and rubbed and cleaned my hands, then I stood again with stamina and resistance, and then I followed the move again.

But know that always there slip is tidy and it is. As if without slipping, it would be impossible to find the way! I do not know when I found philosophical thoughts. But as far as I remember, there has always been a slip.

If I say that the main force and the first force of nature is slipping, a new leaf in the new physics will be opened and the seeds of joy will be sprayed on the soul of Newton, Einstein, Maxwell and Max Planck. They are happy to say that Foad eventually solved the problem of unity of forces!

Yes, we can combine the forces of gravity electromechanics,

weak nuclei and strong nuclear in the form of a slip force! Perhaps it is safe to say that the driving force for moving is the same as the force of slipping.

That is, slip is the agent of motion and dynamism. I declare with full force and with full certainty that the Big Bang is resulted from slip! The rest of the subject should be followed up in scientists astronomical pamphlets. I say with boldness: the force of slip, the principle and the mother of the four forces in nature that are the origin of all events and phenomena.

If we set aside the slip, all the laws of physics and ... will be null and void. do the electrons slip around the core don,t they? Do protons and neutrons slip around eachother?

Are the stars finally slipping in the dark aren,t they? Is not the baby going out of the fetus is it? Doesn,t the auto tip roller slip when writing does it? Drown out how to get into the inside of a plastic pipe? How does it got inky inside the plastic pipe? If the very tip is not slipped on paper, is there any movement and action to write? If the droplets of water were slipping off, would they be streams and, finally, seas?

If Foad did not slip, would this be the case for dealing with a very important issue of slipping?

Slipping off the irrefutable principle is the emergence and continuation of work. "Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi" The spirit of the Tantarism is slipping! Hehegel, Engels and Marx must be told that the principle of your innovation is based on the principle of slipping. It means changes occur due to the slip of the state and position, and then the changes are felt! So what is more fundamental than any original is the very principle of slipping. All movements and phenomena, changes, transformations, processes, and evolutions ... all occur due to slippage.

It does not contradict philosophical views. If Eve the mothers of men does not slip through Satan's indoctrination, and she does not slip her husband and finally does not slip the forbidden grain in their throats, Have we seen all this slip from the children of Adam written in books and works on the planet?

Physical slip and spiritual or non-physical slips both of the same type.

That is, the root of all slips of any kind, what ever the mind, body, language, emotion and ... all come from the principle of slipping. Everything in the universe, slip.

Whether it is an animate or inanimate, that is, everything is slipping. Every human being is occasionally slipping, that is, anyone who wants to or who has been unwillingly slipped. It seems that there is no one without slipping! That is, everyone slip without exception. Everyone and everybody is slipping and regularly slipping. There isn't any choice.

The word "everyone" here is the same as universal quantification in mathematics. That means for everyone, meaning "for all" or "for everyone". Interestingly, the slip itself has slipped off! This is not a paradox.

Theologians take this point with the materialists, and especially with the Marxists, and say that if the principle of change is the basis and that everything is constantly changing, then it should include the change itself. And this creates a set of paradoxes and contradictions. Because if the principle of change is constant and eternal, and that the change itself is in all parts of the universe, we will be paradoxical! Because the word of all is no longer universal, there is an example of a violation, and it is the principle of change that is a part of being. That is, it must or must take

the principle of change from being. And that in that case, the main thing will not work or be part of the being and be subject to change. That is, the very principle of change also involves changing!

In that case, the principle is no longer constant and it changes in efficiency! That is, its rule is void, and here we come to paradoxes or contradictions that have transcended the theologians over the materialists.

The point is, and it is interesting that this paradox or contradiction can not be made on the principle of slipping! Because it slips itself down too! Slip is a universal thing and a starting point.

There is no creature without slipping. Every imaginable thing is slipped. The same slip of Adam Abū al-Bashr caused the Adam's descendants to slip through to the end of the world! father of mankind. The consequence of all the slips of men is to Adam, who taught everyone to slip! Slip creates existence!

Slipping occurs due to slipping! Yes, it was handcuffed by a crawl and not if there is no slipping, those movements would not happen, as a result, you did not get the multiplication.

If Foad was not slipping, this writing would not have been prepared and they would not slip through the minds of others!

Mohammad Davoudi, a mathematics teacher from north of Iran, wrote in a letter dated ۱ march ۲۰۰۷ to Foad that ... You presented a very interesting theory called the theory of slip, which I saw it very carefully. Congratulations. As I said before, in my opinion, Foad, whenever he leaves himself a look at himself outside as a third party, finds another dimension, and it gets five more and, of course, is still far



from being seven dimensions. Then, in my opinion, Foad becomes a gigantic thinker. Of course, I have to go out of myself in general so that I can spread the general thought of experience to the public.

One point to remind you that you (Foad) wrote in a self-made scientific statement: Slipping is an agent of movement and dynamism. This is a key sentence of your text. Newton's theory of gravity for three hundred years was the undisputed governing body of physics, and is still used more or less. But Einstein said that bodies do not absorb each other's, but they are moving toward each other through the Curvature nature of the space!

In other words because space is a curve based on roman geometry. Thus, slippage occurs in such curved paths, and thus the motion, that its appearance is similar to gravity, is created. In Einstein's view, it is also a slip that causes motion, Foad Salvatabadi, thinks so...



## نظریه ابعاد زمان

۲۵/ اسفند/ ۱۳۹۶ شمسی برابر با ۱۶/ مارچ/ ۲۰۱۸ میلادی

متأسفانه همیشه تعداد کلمات و واژه‌ها برای بیان مفاهیم ذهنی بسیار کم بوده است. شاید در وادی ریاضیات این مقوله در دسر کمتری فراهم نماید، چون که با استفاده از حروف و علائم و شماره گذاری تحت عمل اندیس یا ... می‌توان در سطح گسترده بدون ابهام به تشریح موضوعات پرداخت. ولی در وادی ادبیات و به‌ویژه در حیطة نویسنده‌گی مشکل بدجوری عیان و معضلات فراوانی به‌وجود می‌آورد. به‌خصوص برای بیان افکار فلسفی مشکل دو چندان می‌گردد. لذا برای پرداختن به شرح " نظریه‌ی ابعاد زمان " ناچارم طبق روال معمول با تعریفات و توجیهاات به نوشتن بپردازم. برای بحث مورد نظر " نظریه‌ی ابعاد زمان " مجبورم آن‌چه را که قبلاً یعنی سه سال پیش تحت عنوان " حرکت در عرض زمان " نوشته بودم در ابتداء تکرار نمایم تا زمینه برای بیان مشروح و جامع " نظریه‌ی ابعاد زمان " فراهم آید.

از وقتی که زمان حرکت خود را از نقطه‌ای آغاز نمود و مسیر طولی را در پیش گرفت، مرتب به‌عرض آن اضافه شد. در سه ثانیه‌ی نخستین، پختن کائنات و هستی یا جهان فیزیکی که انفجار نور اولی بر اثر یک لغزه یا لغزش حرکت را ایجاد کرد، زمان نیز تولد یافت. حرکت مولود لغزش و زمان، تولیدی از حرکت است! انگار زمان بدون حرکت معنی نداشته و ندارد. آن‌چه که اصل است، لغزه یا لغزش است که موجب حرکت گردیده و همزاد حرکت یعنی زمان نیز پا به‌عرضه می‌گذارد. وقتی لغزش یعنی همان مبدا فیاض لغزید. هستی از عدم زاده شد. وحدت نور اولی دو مختص پیدا نمود که عبارت از حرکت و زمان است. حرکت در مکان قابل ظهور است، یعنی در مکان نمود پیدا می‌کند. لذا وقتی از حرکت صحبت